



السَّالِمُ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ

وَعَلَيْهِ عَلَيْهِ الْحُسَيْنُ

وَعَلَيْهِ أَوْلَادُهُ الْحُسَيْنُ

وَعَلَيْهِ أَصْحَابُنَا الْحُسَيْنُ





« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه هجدهم — دور یازدهم — ۶ شهریور ۱۴۰۱



در محضر سورۂ فاطر:

لطفا به این تصاویر

«توجه» کنید:













پرسش ۱:



در تمام محصولات زراعی و باغی و جنگلی،
و پرنده، خزنده، درنده، آبرزی و جانداران،
چه «عنصری»، «مشترک» است؟

آیة ۲۷:



یکی از

« شگفتی های آفرینش »:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ «مَاءً»

فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ «مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا»

وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ

(فاطر/۲۷)

آیا ندیده‌ای که خدا «یک آب» را از آسمان فرود می‌آورد،

پس «ما» با همان آب، میوه‌هایی با رنگهای گوناگون و از برخی کوهها نیز

رگه‌های سپید و سرخ به رنگهای مختلف و معادن تیره پر رنگ بیرون می‌آوریم؟















آیة ۲۸:



وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَأَلْأَنْعَامِ

مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ

(فاطر/۲۸)

و از مردمان و جانوران و دامها هم

که رنگهایشان همان گونه مختلف است (پدید آوردیم):







سورة رعد:



... وَ جَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٌ وَ نَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَ غَيْرُ صِنْوَانٍ

يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ

وَ نُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (رعد/۴)

.... و باغهای انگور و کشتزارها و خرماهای همجنس و غیر همجنس که از یک آب می‌خورند، اما خوردن

برخی از آنها را بر برخی دیگر برتری می‌دهیم که در این (أمر) برای آنها که تعقل می‌کنند نشانه‌هائی است:







پرسش ۲:



اینهمه محصولات و مخلوقاتِ «متنوع»،
باید عامل چه «صفتی» در انسان باشد؟

آیة ۲۸:



وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَأَلْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (فاطر/ ٢٨)

... از « بندگانِ او » فقط « دانایان »،

(عظمتش را می‌فهمند و از او) پروا پیشه می‌کنند ...

پریشانی ۳:



« باللاترین حدّ خوف » چیست؟

بیشترین « **فهم** **عظمتِ الهی** »،

که عاملِ « **بالا ترین حدّ خوف** »،

و « **دقیق ترین مراقبت** » است،

« **خشیت** » نامیده می شود.

پرسش ۳:



کدام « **صفتِ الهی** »،

عاملِ « **خشیت** » است؟

« **خَشِيت** »،

ثمره « **دُرک و فہم** »

« **رَحْمَانِيت** » خداوند است:

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ

وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (ق/۳۳)

آن که (حتّی) در پنهان (هم) از خدای رحمان پروا دارد،
و با قلبی متوجّه و فعّال و مطیع، (به نزد ما) می آید.

«رحمانیت» چه ترسی دارد؟

« **رحمانیت** » یعنی:

« **رحمتِ الهی** », « **عام** » است،

و به « **تمام مخلوقات** »,

(مثل نور خورشید،) « **برابر** و یکسان » می بارد:

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى

(طه/۵)

رحمانیت، بر تمام عرش (و تمام عوالمِ عالم)،

«إحاطه‌ای برابر» دارد.

پس در « **نظامِ رحمانی** »،

« **هیچ امتیازِ خاصی** » (آقازادگی و ژن برتر و تافتهٔ جدابافته بودن)،

برای « **هیچ مخلوقی** » نیست.

و « ظرفیت، لیاقت، استحقاق و تلاشِ » مخلوق،

« سهمِ » او را از « رحمتِ الهی » مشخص می‌کند.

به همین خاطر،

وجودِ «**فرزند**» برای «**رحمان**»،

«**محال**» است،

و حتی قابلِ «**تصوّر**» هم نیست:

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ

أَنْ يَتَّخِذَ «وَلَدًا» (مريم/۹۲)

برای رحمان سزاوار نیست فرزندی داشته باشد.

(چون در آن صورت رحمتش، «عام» و «خاص» خواهد بود.)

پرسش ۴:



نداشتنِ «**خشیت**» عاملِ چیست؟

نداشتنِ « **خشیت** » باعث می‌شود

« عبادات و تلاش‌های مثبت و جهادی »،

در ذهن فرد « **تَوْهَمِ امتیاز** » ایجاد کند،

و او را (در هر مقامی) (مثل ابلیس و بلعم باعورا) به « **ادّعا** » بکشانند،

و نسبت به « مراقبت » از خودش، « **غافل** » کند.

زیرا « **رحمانیت خدا** » در « **دنیا** » برای:
تمام: « **انبیاء، مرسلین، اولیاء و افرادِ خوب و بد** »،
« **یکسان** » و « **برابر** » است،
و او با هیچ فردی، « **تعارف** » ندارد:

وَقَالُوا لَنْ تَمْسَنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً
قُلْ: أَتُحَدِّثُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا؟

.... (بقره/۸۰)

و (متخلفین) گفتند: جز مدتی اندک هرگز آتش به ما نمی‌رسد،

بگو: (برای ادّعای خود) پیمان‌نامه‌ای از خدا گرفته‌اید؟ ...^{۵۷}

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِّنَ الْكِتَابِ

يُذْعَوْنَ إِلَىٰ **كِتَابِ اللَّهِ** لِيَحْكُمَ **بَيْنَهُمْ**

ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ (آل عمران/ ۲۳)

آیا آنهایی که بهره‌ای از مذهبی بودن دارند را دیده‌ای؟

که وقتی به رعایت کتاب خدا دعوت می‌شوند تا میانشان داوری کند،

گروهی از آنها به حالت اعتراض روی برمی‌تابند. **چرا؟**

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ

قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ اِلَّا اِيَّامًا مَّعْدُودَةً

وَاَغْرَهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

(آل عمران/۲۴)

آن به این خاطر است که آنها گفتند آتش غیر از اندکی هرگز به ما نمی‌رسد،
و «^{۵۹} دروغ‌بافی‌هایشان» آنها را در دینداریشان «فریب» داده است:



لذا تمامِ « أنبياء و أولياء الهى و مؤمنينِ **دانا** »،

حتى در « **خلوت** » خودشان، « **خشیت** »،

و بر تمام اعمالشان، « مراقبت دقیق » دارند:

... **و خَشِيَ الرَّحْمَنُ بِالْغَيْبِ** ... (یس/۱۱)

» هشدار «:

گاهِی «**خَشِیت**»،

ثمرهٔ «**نَگَرانی‌های جا‌ه‌لانه**»،

و تحلیلیِ «**ظا‌ه‌رِ پِنا‌نه**» است:

پرسش ۵:



« نگرانی‌های جاهلانه » مثل؟

نمونه اول:

« ترس از هزینہ‌های فرزندآوری »:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ

نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ... (اسراء/۳۱) (أنعام/۱۵۱)

و به خاطرِ « ترسِ (جاهلانه از) فقر »، فرزندان‌تان را نکشید ... ⁶⁶

نمونه دوم:

« ترس از کم شدن فاصله طبقاتی »:

قُلْ: لَوْ أَنَّكُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي

إِذَا لَأَمْسَكُمْ خَشْيَةً الْإِنْفَاقِ ... (إسراء/ ۱۰۰)

بگو: اگر شما « مالک گنجینه‌های رحمتِ خدایِ من » (هم) بودید باز هم از ترسِ (فقر) از انفاق امساک می‌کردید زیرا انسان، بخیل است.

نمونه سوم: « ترس از کاهش درآمد »:

قُلْ: إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ

وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا

أَحَبُّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ ... (توبه/۲۴)

بگو: اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندانتان و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از رکودش می‌ترسید و منازلی را که دوست دارید نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه او دوست‌داشتنی‌تر است ...

نمونه چهارم: « ترس از مبارزه با باطل »:

... فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ

إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ

كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ... (نساء/ ۷۷)

... پس وقتی مبارزه بر آنها مقرر شد برخی از آنها از مردم مشرک ترسیدند،

همانند ترس از خدا یا ترسی سخت تر ...

پرسش ۶:



« ثمراتِ خشیت » کدامند؟

اول: « بهشت »

برای « متقین »

« أهل خشت » است:

وَأَزَلِفَتْ **الْجَنَّةُ** لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (۳۱)

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيفٍ (۳۲)

مَنْ خَشِيَ **الرَّحْمَنَ** **بِالْغَيْبِ**

وَجَاءَ **بِقَلْبٍ** مُنِيبٍ (ق/۳۳)

و بهشت برای متقین نزدیک می شود بی آنکه دور باشد * (و به آنان گویند) این همانست که وعده یافته اید (و)
برای هر متوجه پاسدار (حدود الهی) است * همانکه در نهان از خدای رحمان بترسد و با قلبی مطیع (باز) آید.

دوم: « رضایتِ الهی »

و « جاودانگی در بهشت »

برای « اهلِ خشیت » است:

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ **جَنَّاتُ** عَدْنٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ

ذَلِكَ لِمَنْ **خَشِيَ** رَبَّهُ (بينه/ ۸)

پاداش آنان نزد خدایشان باغهای همیشگی است که از کفِ آن نهرها روان است جاودانه در
آن خواهند بود خدا از آنان راضی و آنان از او خشنودند این برای آنست که از خدایش بترسد.

سوم: فقط افرادِ اهلِ « خَشیت »

و تابعِ « قرآن »،

به « هشدارها » توجه می کنند:

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ
وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ

فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (یس/۱۱)

همانا هشدار دادنِ تو فقط برای آنکه از « ذکر » (قرآن) پیروی می کند و از رحمانیتِ (خدا)
در نهان (هم) می ترسد (مفید است.) پس (فقط) او را به آمرزش و پاداشی پر ارزش مژده ده.

انما انت مُنذِرٌ

مَنْ يَخْشَاهَا (نازعات/۴۵)

تو فقط هر را که از قیامت می ترسد هشداردهنده‌ای.

چهارم: فقط اهلِ «**خشیت**»

از «**مجازات**» دیگران،

«**عبرت مفید**» می گیرند.

(و هرگز دنبالِ خودپرستی و تکبر و سلطه گری نیستند):

فَقَالَ: « **أَنَا** رَبُّكُمْ الْأَعْلَى (۲۴)

فَأَخَذَهُ **اللَّهُ** نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (۲۵)

إِنْ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةٌ لِّمَن يَخْشَى

(نازعات/۲۶)

(فرعون) گفت: خدایِ برترِ شما منم * و خدا او را در دنیا و آخرت مجازات کرد.
همانا⁸⁰ در آن (خودبرترپنداری و سلطه‌گری فرعون) برای هر اهل خشیت، عبرت است.

پنجم: « أَهْلِ خَشْيَةٍ »

از « بیرون و درون، نگرانی » ندارند،

بلکه « هر تهدیدی، »

« ایمانِ » آنها را بیشتر تقویت می کند:

أَنْ أُسْرِ بِعِبَادِي

فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقاً فِي الْبَحْرِ يَبَساً

لَا تَخَافُ دَرْكاً وَلَا تَخْشَى (طه/۷۷)

بندگانم را شبانه ببر، و راهی خشک در دریا برای آنها باز کن،
و از رسیدن (دشمن) نترس و (از غرق شدن و حوادث دیگر) نگران نباش.

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ
إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ
فَزَادَهُمْ إِيمَانًا

وَقَالُوا: حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (١٧٣)
فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءُ
وَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَهُ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (آل عمران/ ١٧٤)

ششم:

فقط اهلِ « **خشیت** » می توانند

به افتخارِ « **وساطت** » برسند،

و « **مبلّغِ رسالاتِ الهی** » باشند:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ
وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ

وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (أحزاب/ ٣٩)

همانها که مأموریت‌های خدا را «إبلاغ» می‌کنند و از او می‌ترسند،
و از چیزی جز خدا نمی‌ترسند زیرا خداوند برای حسابرسی کافوست.

پرستی ۷:



تمام مردم، خصوصا پدران و فرزندان،
باید از چه «**روزی**» نگران باشند **چرا؟**

٢- يَا أَيُّهَا النَّاسُ؛

اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَ**اخْشَوْا** يَوْمًا

لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ

وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا

.... (لقمان/٣٣)

پرستی ۸:



« آبادکنندگانِ » مساجد،
چه « خصوصياتی » دارند؟

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ

مَنْ:

۱- أَمَّنَ بِاللَّهِ،

۲- وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ،

۳- وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ،

۴- وَ آتَى الزَّكَاةَ،

۵- وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ ... (توبه/۱۸)

مساجد خدا را تنها افرادی آباد می کنند که به خداوند و روز آخرت ایمان آورده
و نماز اقامه می کنند و زکات می دهند و جز از خدا نمی ترسند،

پریشانی ۹:



« نگرانی از آسیب‌پذیری درون »

و « نگرانی از آسیب‌های بیرون »،

نامشان چیست؟

« ترس از ضعف نسبت به بیرون »،

و « ترس از غلبه عوامل بیرونی »،

« خوف » نامیده می شود.

« دلهره از ضعف نسبت به درون »

و « دلهره از آسیب‌پذیری درون »

« خشیت » نامیده می‌شود.

(۱۹) قَدْ تَرَى يَا إِلَهِي،

فَيْضَ دَمْعِي مِنْ خِفَتِكَ،

وَوَجِيبَ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ، (دعاء ۶ صحیفه)

ای خدای من؛ می بینی که

اشک^{۹۶} چشمم از ترس تو روانست و بیم در قلبم از عظمتت لانه کرده ...

پرسش ۱۰:



یک نمونه از

« نگرانیِ اولیاءِ الهی » در قرآن؟

(حضرت خضر صلوات الله عليه فرمود:) وَ أُمَّا الْغُلَامُ

فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ

فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَ كُفْرًا (٨٠)

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ ... (كهف/٨١)

پریشی ۱۱:



نامِ « نگرانی معرفتی »
و نام « نگرانی رفتاری » چیست؟

« خشیت، معرفتی » است،

اما « خشوع، رفتاری » است:

« خاشع »،

فردی است که با « معرفت »،

به « خشیت » و اوج « توجّه قلبی » رسیده

و لذا « گوش و چشم و تمام جوارح » او،

« مطیع » و « فرمانبردارِ خالق » شده است:

لَوْ أَنزَلْنَاهُ هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ
لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ

... (حشر/۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم،
یقیناً آنرا از بیم خدا فروتن و متلاشی می‌دیدیم

لذا « نماز » (و هر عبادتی که) برای همگان سخت است،
برای « خاشعین » بسیار « لذت بخش » است:

وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ

وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ

(بقره/۴۵)

پس نشانه « مومنین حقیقی » اینست که
در « تمام حالات زندگی »، « خاشع » اند:

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ

خَاشِعُونَ (مؤمنون/۲)

پرسش ۱۲:



چه افرادی « **دانا** » هستند؟

اول:

« نور افکن های زمین، »

و « جانشینان انبیاء » اند:

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ

و خُلَفَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَ وَرَثَتُنِي وَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ

علماء چراغهای زمین و جانشینان پیامبران و وارثان من و پیامبران اند.

(کنز العمال/۲۸۶۷۷)

دوم: از « دانش »،

هرگز « سیر » نمی‌شوند،

و همواره « دانشجو » می‌مانند:

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرمایند:

اَلْعَالِمُ مَنْ لَا يَشْبَعُ مِنَ الْعِلْمِ

وَلَا يَتَشَبَعُ بِهِ

دانشمند، آنست که از دانش، سیری نپذیرد و به سیری از آن نیز وانمود نکند.

(غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۷۴۰)

سوم:

خود را دائماً « نقد » می کند،

و « نظر دیگران » را می جوید:

حضرت امام حسین صلوات الله علیه می فرمایند:

من دلائل العالم انتقادهً لحديثه

و علمه بحقائق فنون النظر

از نشانه‌های عالم، نقد سخنان خودش و آگاهی از نظرات مختلف است.

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۹)

چهارم:

«حق» و «باطل» را

به درستی «می‌شناسد»:

حضرت امام صادق صلوات الله عليه می فرمایند:

لَنْ تَبْقَى الْأَرْضُ

إِلَّا وَفِيهَا عَالِمٌ يَعْرِفُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ

هرگز زمین باقی نمی ماند مگر آنکه

در آن دانشمندی باشد که حق را از باطل می شناسد.

(محاسن / ج ۱ / ص ۲۳۴)



خدایا:

ما را از « عالمانِ حقّ طلب » قرار ده،

و به اوج « خشیتِ عاقلانه » برسان،

و از هر نوع « جهالتی » حفظ فرما،

تا در « ظهورِ آخرین حجّت » سهیم باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

